

رابطه بین عوامل موثر بر نارسایی (شکست) شناختی و افت تحصیلی دانشجویان

ناهید بابائی امیری^{۱*}، محمد باقر کجباف^۲، محمدمهدی مظاهری^۳، غلامرضا منشتی^۴، هوشنگ طالبی^۴

۱) عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری

۲) عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

۳) عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان (اصفهان)

۴) هیات علمی دانشگاه اصفهان - سرپرست دانشگاه اصفهان

*نویسنده مسول: nbabaieamiry@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۳/۶/۸ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۳/۷/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله ۹۳/۹/۱۶

چکیده

این پژوهش عوامل تاثیر گذار بر نارسایی شناختی که از آن جمله می توان به عواملی مانند سن، جنس، شغل، نوع رشته تحصیلی، تعداد مشروطی، مصرف دارو و همچنین رابطه نارسایی شناختی را با افت تحصیلی مورد بررسی قرار می دهد. روش طرح تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری که در نیمسال اول ۹۳-۹۲ مشغول به تحصیل بودند، می گردید (N=۲۲۹۰۴). تعداد نمونه از طریق فرمول ساده شده کوکران بدست آمد (n=۳۸۴)، که با روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل مشخصات فردی و پرسشنامه نارسایی شناختی (CFQ) بود. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۹. برای پرسشنامه نارسایی شناختی بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و آزمون تی تست و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که بین نارسایی شناختی و افت تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین بین جنس، شغل، نوع رشته تحصیلی، تعداد مشروطی، مصرف دارو در دانشجویان تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. اما نارسایی شناختی با سن رابطه مثبت داشت. با وجود اینکه تحقیقات پیشین وجود رابطه مثبت بین نارسایی شناختی با سوانح شغلی و تصادفات را پیش بینی می کرد ولی نمی توانست پیش بینی کننده افت تحصیلی باشد. و این به علت میزان اضطرابی است که در شرایط امتحانی پیش می آید و سطح هوشیاری و کنترل شناختی دانشجویان را افزایش می دهد.

کلید واژگان: نارسایی شناختی، افت تحصیلی، عوامل موثر، دانشجویان

مقدمه

عالی توجه خاصی مبذول گردیده است. زیرا این نهاد از یک سو به امر اجتماعی تعلیم و تربیت و از سوی دیگر به نیازمندی های افراد در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و... پرداخته است و آنچه به عنوان تمدن و فرهنگ انسانی مطرح است، همین دانشی است که از نظام تعلیم و تربیت بطور عام و تعلیم و تربیت آموزش عالی به طور خاص حاصل می آید (زکیخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴). پس به لحاظ اهمیت موضوع لازم است در مورد آسیب شناسی آموزش عالی مطالعه شود.

آموزش و پرورش^۱ از رکن های اساسی هر کشور است و مهمترین هدف آن پرورش افرادی با سواد و کاردان می باشد. و این امر به نوبه خود متخصصین تعلیم و تربیت را بر آن داشته که به مقوله های پیشرفت تحصیلی^۲ توجه بیشتری بنمایند. از آنجایی که آموزش عالی^۳، در توسعه ای اجتماعی و منابع انسانی و تربیت افراد کاردان نقش عمده ای داشته و از این رو دانشگاه های کشور در فرایند توسعه ای نیروی انسانی، اهمیتی اساسی دارند. امروزه به موضوع آموزش

فروید (۱۹۴۱) جزء اولین محققان در زمینه آزمایش و نظریه‌پردازی درباره تفاسیر احتمالی خطاهای عملی بود که این موضوع در کتابش به نام «جامعه‌شناسی ستیز در زندگی روزمره» به طور برجسته مطرح شده است. این کار تأثیرگذار، به همراه کار هکهاوسن و بکمن ۳ (۱۹۹۰)، ریزن ۴ (۱۹۷۹) و نورمن ۵ (۱۹۸۱)، بسیاری از پژوهشگران خطاهای عملی را تحت تأثیر قرار داد تا درباره مکانیزم

های مؤثر یا عامل چنین خطاهایی تحقیق کنند (به نقل از والاس، ۲۰۰۴، ص ۳۰۷).

در این حوزه، سازه ویژه‌ای که به تازگی توجه بسیاری را جلب کرده است، سازه مربوط به نارسایی (شکست) شناختی ۶ است (برودبنت و همکاران ۱۹۸۲؛ مریت ۱۹۹۲؛ روبرتسون و همکاران ۱۹۹۷؛ والاس، ۲۰۰۴). برودبنت ۷ اولین کسی بود که این اصطلاح را مطرح کرد. نارسایی شناختی، به عنوان شکست شخص در به انجام رساندن وظایفی است که به طور معمول قادر به انجام آن است (به نقل از والاس، ۲۰۰۴، ص ۳۰۸). تعریف سازه می‌گوید که یک شخص توانایی انجام کارها را داراست، اما مسئله دیگری در انجام آن دخالت می‌کند. مثال‌های بسیاری از نارسایی شناختی طی سال‌ها عنوان شده‌اند، مثل ریختن آرد در قهوه به جای شکر یا دور انداختن چیزی که مورد نیاز است و نگهداشتن شیء نامطلوب به جای آن. در حالی که چنین خطاهایی بسیار مضحک هستند، امکان وقوع خطاهای جدی دیگری نیز در شرایط آشنا و ساده وجود دارد (مثل دور زدن در مسیر اشتباه در یک خیابان یک طرفه) که می‌تواند با انواع خطاهای رفتاری بروز پیدا کند (مثل استرس، آثار منفی و...) (والاس ۸، ۲۰۰۴، ص ۳۰۸).
به طور نمونه، همه افراد این تجربه را داشته‌اند که رفتار و افکار از زمانی به زمانی دیگر متغیر است و در بعضی از مواقع رفتار و افکار انسانها ناخواسته است، این

از دیرباز مسئله جلوگیری از افت آموزش^۱ یا افزایش پیشرفت تحصیلی همواره مورد بحث و تفحص متخصصان تعلیم و تربیت بوده و همواره در پی آن پیشنهادات، راهکارها و سیاست‌هایی به همین منظور وجود داشته تا بتواند جلوی این معضل فرهنگی را گرفته و استفاده بهینه از امکانات مالی و منابع محدود کشور به عمل آورند تا شاید برای همیشه این مشکل اساسی آموزش زدوده شود و دیگر بودجه‌های نظام آموزشی صرف کارهای بیهوده و بی‌اساس نگردد (فاطمه یوسفی، ۱۳۸۸).

به طور کلی شناخت^۲ هم‌فرایند دانستن و هم‌محصول عمل دانستن است و اندیشه‌ها، اطلاعات، خاطره‌ها یا نمادهای روانی و فرایندهایی را در بر می‌گیرند که به وسیله نمادها کسب می‌شوند. در واقع به یاری پردازش شناخت آگاهی‌هاست که می‌توان آفریننده‌های فعال حقایقی بود که ما را به فراتر از الگوهای محرک - پاسخ می‌برند (نایسر، ۱۹۶۷). اما فرایندهای شناختی لزوماً با نظم و ترتیب و شکل خطی مشخصی رخ نمی‌دهند، بلکه می‌توانند به صورت موازی و پردازش همزمان با انواع مختلف اطلاعات و میزان و سرعت متفاوت ظاهر شوند (دیدگاه پردازش اطلاعات). برای مثال، یک فرد در حالی که مشغول حل یک مسئله است، ممکن است به فکر ناهار هم باشد، یا کوشش می‌کند نامی را که بر سر زبان دارد به یاد آورد در ضمن ممکن است فشار گرسنگی حواس او را پرت نماید و همان زمان به فکر قرار ملاقات امروزش نیز باشد و در عین حال به این مسئله که برای امتحان فردا چه کارهایی را باید انجام دهد، می‌اندیشد. تمام این رویدادها ظرف مدت تنها چند ثانیه به ذهن او خطور می‌کند.

اخیراً محققین در حیطه شناختی به دنبال پاسخ به این سوال هستند که چرا با وجود اینکه فرد از نظر ذهنی مشکلی ندارد دچار خطاهای شناختی می‌شود؟

5. Norman
6. Cognitive failures
7. Broadbent
8. Wallace

1. Academ failure
2. Cognitive
3. Heckhausen, H., & Beckmann
4. Reason

تعریف شده است: "خطای با پایه شناختی در طی انجام وظیفه ای که فرد معمولاً آن را با موفقیت انجام می داده است". ریزن (۱۹۸۸) معتقد است که شکست در اعمال برنامه ریزی می تواند به اجزای زیر تقسیم شود: شکست در مرحله طرح ریزی (اشتباهات) و شکست در مرحله اجرا (شکستهای شناختی). شکستهای شناختی با عناوین متعددی نظیر لغزش های سهوی در اجرا نام گذاری می شود ۱- لغزش در توجه (شکست در درک)، ۲- لغزش در حافظه (شکستهای مربوط به بازیابی اطلاعات)، ۳- لغزش در اعمال حرکتی (انجام اعمال ناخواسته یا خطا در عمل).

نورمن (۱۹۸۱) سه دسته بندی اصلی از نارسایی شناختی که شامل خطا در شکل دادن به اهداف، فعال سازی طرحواره ها و راه اندازی کنش هاست، بیان کرد. وی خاطر نشان کرد که نارسایی شناختی با یادگیری رویدادی، پر بودن ظرفیت حافظه کوتاه مدت، کاهش سطح هوشیاری و توجه منحرف شده، رابطه مثبت دارد. آنها خاطر نشان کردند که نارساییهای شناختی با یادگیری رویدادی، گرانباری ظرفیت حافظه کوتاه مدت، کاهش سطح هوشیاری و توجه منحرف شده، رابطه مثبت دارد (به نقل از براتی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶).

نوشته های نظری رابرتسون و همکاران (۱۹۹۷)، حاکی از این است که نارسایی شناختی نتیجه عواملی مثل چند وظیفه ای بودن، نگرانی و کسالت، شغل های پر مسئولیت (حساس)، اضطراب، بیماری، مصرف برخی از داروها (آرامبخش ها و داروهای ضد اسید معده)، افسردگی و سوء تغذیه می باشد (به نقل از والاس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۶۳۶).

مطالعات قبلی مدارکی مبنی بر وجود ارتباط بین شکست شناختی و دیگر سازه ها پیدا کرده اند و مشخص شده است که نارسایی شناختی رابطه منفی با مراقبت در انجام کار (مانلی^۳ و همکاران، ۱۹۹۹ و رابرتسون و همکاران، ۱۹۹۷؛ والاس و همکاران، ۲۰۰۱) و کارایی حافظه (مارتین،

رفتارها می تواند از فراموشکاری تا دورانداختن ابزار یا وسایلی که مورد نیاز آنها بوده است، متفاوت باشد. مطالعه ریزن (۱۹۹۷) روی خطاهای هوانوردی و شغل خلبانی منجر به تحقیقاتی شد که معتقدند خطاهای شناختی نقش مهمی در حوادث و رفتار ایمن ایفا می کنند (حسن زاده رنگی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۹). ریزن در اواخر دهه ۱۹۷۰، از اصطلاح «فقدان ذهن آگاه» برای توصیف چنین فقدان کنترل شناختی استفاده کرده است. مثال هایی از این لغزش یا خطا عبارتند از: فراموشی، در عالم هپروت به سر بردن، و خیال بافی می باشد. برودنبیت و همکارانش (۱۹۸۲) علاقه زیادی به شفاف سازی گوناگون خطاها در انسان داشتند. بنابراین از اصطلاح «نارسایی شناختی» برای تعریف تمام خطاها و لغزش ها از جمله خطاهای ادراکی، توجهی، حافظه و عملکردی استفاده کرده اند. نارسایی شناختی شامل اختلال در توجه برای مثال شکست در ادراک، حافظه (شکست در یادآوری) و عملکرد حرکتی (نارسایی شناختی) می باشد. معمولاً این افراد تمرکز محدودی دارند (نعامی، ۱۳۹۰، ص ۷۶). موارد مذکور از ابزار فرایندهای شناختی است که مستقیماً بر یادگیری، به خاطر سپاری و یادآوری و کاربرد مطالب یاد گرفته شده، تاثیر بسزایی دارد. از زمانی که برود بنت و همکاران (۱۹۸۲) واژه های نارسایی شناختی را ساختند، محققان در تلاش بوده اند تا این «مسئله» را شناسایی کنند.

برخی از محققین معتقدند خطاهای انسانی از شکست های شناختی ناشی می شوند که در یک یا هر سه مرحله روند پردازش اطلاعات رخ می دهد. درک کامل اختلاف بین انواع متفاوت شکست های شناختی می تواند در پیش بینی نوع رفتار خطرناکی که محتمل تر است یاری رسان باشد. تنها توجه و تفکر آگاهانه در قالب یک مطالعه علمی به این شکست های شناختی است که باعث می شود در محیط های آموزشی و کاری کمتر این شکست ها رخ دهند. شکست شناختی توسط مارتین^۲ (۱۹۸۳) اینگونه

(CFQ) حدود پانجاه درصد است. هیچ رابطه‌ای میان نمرات نارسایی شناختی و سن و میزان تحصیلات وجود نداشت. زنان نمراتشان در نارسایی شناختی بیشتر از مردان بود و از نظر وراثت، جنسیت نقشی نداشت. ضمناً هیچ شواهدی دال بر تأثیر محیط مشترک بر نمرات وجود نداشت. نمرات نارسایی شناختی (CFQ) زن و شوهر با هم همبستگی داشت ($r = .22$) و این همبستگی و ارتباط بیشتر از رابطه میان دوقلوها بود. تحقیق آق و همکاران (۱۳۹۰) تحت عنوان ارتباط رفتارهای دینی و خودآگاهی با نارسایی‌ها شناختی در میانسالان، اظهار داشت. که سطح بالای رفتارهای دینی و خودآگاهی، نارسایی‌های شناختی را کاهش می‌دهد. تحقیق نعیمی (۱۳۹۰) تحت عنوان رابطه استعداد خستگی شغلی با عاطفه مربوط به شغل، نارسایی شناختی و قید سازمانی، نشان داد که: استعداد خستگی شغلی می‌تواند ادراک کارکنان را از وجود قیود سازمانی و عاطفه منفی نسبت به شغل تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر آن استعداد خستگی شغلی می‌تواند در افزایش نارسایی شناختی نقش موثری را ایفا کند. تحقیقی توسط براتی و عریضی (۱۳۸۹) انجام گرفت و نتیجه گرفتند که نارسایی شناختی در گونه‌های صبحگاهی از افراد سنخ عصرگاهی بیشتر است با توجه به این نکته، با گم‌کردن افراد سنخ عصر به مشاغلی که نوبت کاری و شیفت شبانه دارند، می‌توان از سانحه پیشگیری کرد.

از آنجایی که موضوع جلوگیری از افت تحصیلی یا کوشش در جهت پیشرفت تحصیلی به خودی خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید همواره مورد توجه تمامی مسئولان نظام آموزشی قرار گیرد و سعی و تلاش آن‌ها در جهت بسیج نیروهای کارا و کارآمد باشد تا سطح علمی و فرهنگی افراد را ارتقا داده و مراکز و موسسات صنعتی، علمی و تجاری جامعه را از وجود متخصصان آگاه و توانمند بهره‌مند سازد. از این جهت هدف باید سعی و تلاش برای کمک به این هدف ارزشمند باشد و تا جایی

(۱۹۸۳) و رابطه مثبت با سازه‌هایی از قبیل خطاهای سهوی در عملکرد (برود بنت و همکاران، ۱۹۸۲)، عدم ذهن آگاهی (ریزن و لوکاس^۱، ۱۹۸۴)، کسالت (خستگی) و اختلالات خواب (والاس و همکاران در مطبوعات) و مشکلات عدم توجه دارد (والاس، ۲۰۰۲) (به نقل از والاس، ۲۰۰۳، ص ۵۰۵-۵۰۴).

نتایج پژوهش‌های مکاسی و ریگی^۲ (۲۰۰۶) تحت عنوان نارسایی شناختی، باورهای فراشناختی و سن، شخصیت و اختلاف فردی، نیز بیانگر نارسایی شناختی بیشتر زنان در مقایسه با مردان است. همچنین نمرات نارسایی شناختی با افزایش سن به طور معناداری بالا می‌رود. مطالعات آن ورث و همکاران (۲۰۱۲) تحت عنوان اختلافات فردی در نارسایی‌های توجه و حافظه نشان داد که اختلافات فردی در تواناییهای شناختی (مثل حافظه فعال، کنترل توجه، حافظه ذخیره شده، حافظه دراز مدت) با اختلافات فردی در شکست‌های شناختی روزانه مرتبط بودند. تحقیق پولیاکف^۳ و همکاران (۲۰۰۸) تحت عنوان نارسایی شناختی و مشکلات حافظه در بیماران پارکینسون بدون زوال عقل انجام گرفت و نتایج نشان داد که بیماران پارکینسون انواع خاصی از اشتباهات را بیشتر انجام می‌دهند و تجزیه و تحلیل‌های بیشتر مشخص کرد که بعضی از این اشتباهات به فرایندهای توجهی (حواس پرتی) و بقیه به فرایندهای بازیابی مربوط می‌شود این بیماران در بخاطر آوردن جزئیات مهم روز قبل ناتوان بودند. تحقیق برگن^۴ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد حواسپرتی به وسیله دو عامل استعداد درونی و مدیریت بیرونی فرد بر حافظه فعال ایجاد می‌شود. تحقیق والاس و همکاران (۲۰۰۲) نشان داد که خواب آلودگی بالای روزانه افراد ارتشی در مقایسه با نمونه دانشگاهی و میزان خطاهای سهوی باعث افزایش شکستهای شناختی گردید. تحقیق بوسما^۵ (۱۹۹۸) بر روی دوقلوهای نوجوان هلندی و والدینشان انجام گرفت و نتایج نشان داد که اثری بودن نمرات پرسشنامه نارسایی شناختی

4 .Berggren

5 . Boomsma

1 . Lucas

2 . Mecacci & Righi

3 . Poliakkoff

- بین نارسایی شناختی با شغل دانشجویان رابطه وجود دارد
- بین تعداد نوع رشته تحصیلی دانشجویان ، نارسایی شناختی آنان رابطه وجود دارد.
- بین نارسایی شناختی با سن دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین تعداد ترمهای مشروطی دانشجویان ، نارسایی شناختی آنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

طرح تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره) که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ مشغول به تحصیل بودند، می شد ($N=22904$). تعداد نمونه از طریق فرمول ساده شده کوکران ۳۸۴ نفر بدست آمد. روش نمونه گیری در این پژوهش نمونه گیری خوشه ای تک مرحله ای احتمالی بود. و هر دانشکده به عنوان یک واحد(خوشه) محسوب و سپس به دلیل تفاوت تعداد هر دانشجو در هر دانشکده نمونه ها در هر واحد به صورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها هم از ابزارهای زیر استفاده شد.

الف) پرسشنامه نارسایی شناختی (C F Q)^۱: پرسشنامه نارسایی شناختی یک پرسشنامه ۲۵ سؤالی است که شامل خطاهای روزانه در ادراک، حافظه و فعالیت های حرکتی کوچک در شش ماه گذشته است، که توسط برودبنت و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شد. در این پرسشنامه برای مثال، سؤالاتی از قبیل « آیا هنگام راه رفتن به مردم می خورید؟»، « آیا در توجه به چیزی که در اطرافتان وجود دارد ناتوانید؟»، « آیا اسامی افراد را فراموش می کنید؟»، « آیا نامه های مهم را برای روزها، بدون جواب رها کرده اید؟» وجود دارد. شرکت کنندگان به این موارد با استفاده از مقیاس ۵ امتیازی لیکرت پاسخ دادند (۰=هرگز، ۴=همیشه) و نمرات از " ۰ " تا " ۱۰۰ " و از فقدان لغزش تابالترین حد لغزش است. آلفای کرونباخ توسط مکاسی و ریگی برابر ۰/۸۱، ابوالقاسمی و کیامرثی ۰/۸۴. گزارش شده است

که امکان دارد، در این راه خود را مسئول دانسته و در جهت ارائه راهکارهای مفید و اجرای شیوه ها و برنامه های خاص آموزشی راه رسیدن به این هدف را تسهیل بخشیم. از طرف دیگر چون درمورد نارسایی شناختی در کشور کمتر کار شده و در حوزه آموزشی تا کنون پژوهشی انجام نگرفته است و همچنین بحران اجتماعی و اقتصادی که از سمت بیگانگان بر کشور تحمیل گردیده سبب شده است تا شاهد افرادی باشیم که برای گذران زندگی خود همراه با تحصیل ، چند شغله باشند و یا مشاغل پر مسئولیت (حساس) داشته باشند یا در سنین بالا قرار داشته باشند و فشارهای ناشی از عوامل فوق سبب اضطراب در آنها گردد و اضطراب زیاد می تواند باعث ایجاد بیماری های روان تنی، ناراحتی های معده ای و روده ای و حساسیت ها و... سوء تغذیه و به نوبه خود منجر به مصرف برخی از داروهای (آرامبخش و داروهای ضد اسید معده) شود. از این رو لزوم یک برنامه ریزی صحیح که بتواند بهداشت جسمی و روانی افراد را در طول تحصیل تضمین نماید، بسیار لازم و ضروری می باشد. از آنجایی که موارد ذکر شده در حد نظری است و تاکنون تحقیق منسجمی در رابطه با تأثیر عوامل فوق بر نارسایی شناختی و افت تحصیلی صورت نگرفته است، پژوهش حاضر با هدف شناسایی روابط موجود بین عوامل مرتبط با نارسایی شناختی از قبیل سن، جنس، مصرف مداوم داروهای خاص، تعداد شغل و تعداد مشروط شدن ها و در نهایت رابطه نارسایی شناختی با افت تحصیلی انجام پذیرفت تا از این طریق برنامه ای در جهت بهبود یادگیری و افزایش عملکرد تحصیلی فراگیران تدوین نماید.

فرضیه های تحقیق

- بین مؤلفه های نارسایی شناختی با افت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین نارسایی شناختی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان زن و مرد، رابطه وجود دارد.
- بین نارسایی شناختی و با مصرف دارو در دانشجویان رابطه وجود دارد.

مداوم یک داروی خاص، نوع رشته تحصیلی، سن، جنسیت و تعداد مشروطی های آنان در طول ترمهای گذرانده شده در مورد دانشجویان می گردید.

نحوه اجرای پژوهش به این صورت بود که بعد از کسب اجازه از مدیریت محترم حراست، کلاس ها در هر دانشکده به طور تصادفی انتخاب می شد و با اجازه از محضر محترم اساتید مربوطه پرسشنامه ها بین آنها توزیع و توضیحات لازم جهت پاسخگویی به سؤالات به آنها داده می شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و آزمون تی تست و تحلیل واریانس یکطرفه) برای آزمون فرض های آماری استفاده شد.

یافته های پژوهش

جهت بررسی فرضیه اول "بین مؤلفه های نارسایی شناختی با افت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد." از ضریب همبستگی پیرسون استفاده که نتیجه آزمون در جدول زیر منعکس شده است.

(به نقل از شاهقلیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۴). والاس و همکاران (۲۰۰۳) آلفای کروونباخ را برابر ۰/۹۱ و ضریب همسانی درونی آن را برابر ۰/۹۳ گزارش کرده اند. همچنین مقدار اعتبار آزمون-پس آزمون را برابر ۰/۸۲ گزارش نموده اند. آلفای کروونباخ توسط نعمی (۱۳۹۰) ۰/۸۹ بدست آمد. مقدار آلفای کروونباخ در پژوهش حاضر برای این پرسشنامه ۰/۷۹ بدست آمد. والاس و همکاران (۲۰۰۳) چهار عامل برای CFQ یافته اند که شامل حافظه، حواسپرتی، اشتباهات بزرگ و نام ها است. عامل حافظه، شامل سؤالاتی است که نارساییهای حافظه و فراموشی را می سنجد. عامل حواسپرتی به جنبه های ادراکی و ظایفی که توجه منحرف شده در آن وجود دارد اشاره میکند (مانند: آیا میشود مطلبی را بخوانید و متوجه شوید نمی توانید آن را به یاد بیاورید و مجبور شوید دوباره آن را بخوانید؟) عامل اشتباهات بزرگ با حوادث فیزیکی مثل ضربه زدن به دیگران ارتباط دارد. عامل نام ها، شامل سؤالاتی است که با حافظه نام های افراد ارتباط دارد (به نقل از براتی و همکاران، ۱۳۸۹).

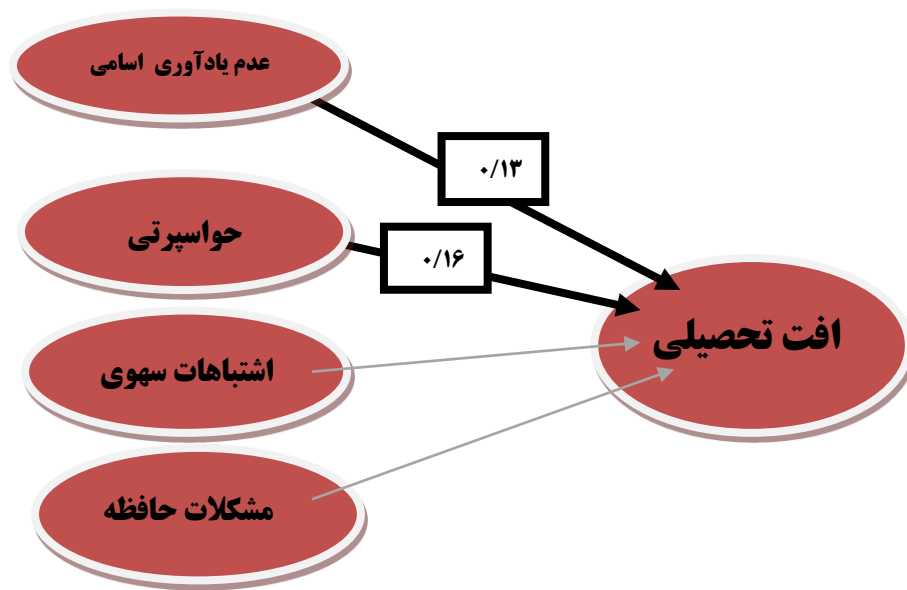
ب) پرسشنامه اطلاعات فردی: شامل سؤالاتی در مورد معدل، شغل (غیرشاغل، شاغل، بیش از یک شغل)، مصرف

جدول ۱. خلاصه شاخص های آماری ضریب همبستگی پیرسون بر حسب نارسایی شناختی برای افت تحصیلی

متغیر وابسته: افت تحصیلی				متغیرهای مستقل
تعداد فراوانی	مقدار همبستگی	شدت همبستگی	سطح معنی داری	
۲۶۵	۰/۰۴	بسیار ضعیف	۰/۴۹۸	بررسی مشکلات حافظه (نارسایی حافظه و فراموشی)
۲۶۵	۰/۱۰	بسیار ضعیف	۰/۰۹۷	حواسپرتی (جنبه های ادراکی منحرف شده)
۲۶۵	۰/۱۲	بسیار ضعیف	۰/۰۵۹	اشتباهات سهوی (حوادث فیزیکی)
۲۶۵	۰/۰۶	بسیار ضعیف	۰/۳۴۴	عدم یادآوری اسامی

جدول ۲. تحلیل مسیر اثر نارسایی شناختی بر افت تحصیلی

اثر نارسایی شناختی بر افت تحصیلی	ضرایب Beta	مقدار T	سطح معناداری	مقدار اثرگذاری	ضریب تعیین	مقدار F	سطح معناداری
حواسپرتی	۰/۱۶	۲/۳۰	۰/۰۲	۰/۱۵	۰/۰۲	۳/۱۱	۰/۰۴۶
عدم یادآوری اسامی	۰/۱۳	۱/۸۵	۰/۰۶				



نمودار ۱. تحلیل مسیر اثر نارسایی شناختی بر افت تحصیلی

نشان می دهد که حواسپرتی به میزان ۱۶ درصد و عدم یادآوری اسامی به میزان ۱۳ درصد، باعث افت تحصیلی می شود. اما دو عامل دیگر، یعنی اشتباهات سهوی و مشکلات حافظه از مؤلفه های نارسایی شناختی دانشجویان اثر معناداری بر افت تحصیلی ندارند. مجموع عوامل نارسایی شناختی، به میزان ۱۵ درصد در تبیین افت تحصیلی مؤثر است و ۲ درصد آن برای تبیین این مدل، قدرت تعیین کنندگی دارد که شدت اثرگذاری نارسایی شناختی بر افت تحصیلی، در سطح بسیار ضعیف ارزیابی می شود. جهت بررسی فرضیه دوم "بین نارسایی شناختی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان زن و مرد، رابطه وجود دارد." از آزمون تی- تست استفاده گردید.

با استفاده از آزمون همبستگی آماری پیرسون و خطای بیش از ۵ درصد نشان می دهد که بین مشکلات حافظه و افت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. با استفاده از آزمون همبستگی آماری پیرسون و خطای بیش از ۵ درصد نشان می دهد که بین حواسپرتی و افت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. با استفاده از آزمون همبستگی آماری پیرسون و خطای بیش از ۵ درصد نشان می دهد که بین اشتباهات سهوی و افت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. با استفاده از آزمون همبستگی آماری پیرسون و خطای بیش از ۵ درصد نشان می دهد که بین عدم یادآوری اسامی و افت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر اثر نارسایی شناختی بر افت تحصیلی: با استفاده از رگرسیون خطی و از روش Backward از میان عوامل گوناگون نارسایی شناختی مؤثر بر افت تحصیلی،

جدول ۳. تفاوت معناداری میزان پیشرفت تحصیلی، نارسایی شناختی در بین دانشجویان زن و مرد، با استفاده از آزمون تی تست

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل: جنس	میانگین	تفاوت میانگین	آزمون F	سطح معناداری
معدل	زن	۱۵,۹۹	۱,۷۵	۴,۵۵	۰,۰۳۴
	مرد	۱۴,۲۴			
نارسایی شناختی	زن	۲,۴۲	۰,۰۹۱	۱,۳۸	۰,۲۴
	مرد	۲,۳۳			

جدول ۴. تفاوت معناداری پیشرفت تحصیلی، نارسایی شناختی در بین دانشجویان (مصرف یا عدم مصرف دارو)، با استفاده از آزمون تی تست

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل: مصرف دارو	میانگین	تفاوت میانگین	آزمون F	سطح معناداری
معدل	مصرف کننده	۱۵,۹۳	۰,۶۹	۰,۰۲۷	۰,۸۶۹
	غیرمصرف کننده	۱۵,۲۳			
نارسایی شناختی	مصرف کننده	۲,۶۵	۰,۲۹	۰,۰۰۲	۰,۹۶۷
	غیرمصرف کننده	۲,۳۶			

جدول ۵. تفاوت معناداری میزان پیشرفت تحصیلی، نارسایی شناختی در بین وضعیت شغلی دانشجویان (غیرشاغل، شاغل و بیش از یک شغل)، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل: شغل	میانگین	آزمون F	سطح معناداری
نارسایی شناختی	غیرشاغل	۲,۳۹	۰,۱۸	۰,۸۳
	شاغل	۲,۳۶		
	بیش از یک شغل	۲,۳۹		

جدول ۶. تفاوت معناداری میزان پیشرفت تحصیلی، معدل، نارسایی شناختی در بین رشته های مختلف تحصیلی (علوم پایه، مهندسی و علوم انسانی)، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل: گروه تحصیلی	میانگین	آزمون F	سطح معناداری
نارسایی شناختی	علوم انسانی	۲,۳۶	۰,۱۳	۰,۸۸
	علوم پایه	۲,۳۹		
	فنی و مهندسی	۲,۴۰		

جدول ۷. خلاصه شاخص های آماری ضریب همبستگی پیرسون بر حسب سن

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل: سن	مقدار همبستگی	شدت همبستگی	سطح معنی داری
نارسایی شناختی		۰/۱۳	بسیار ضعیف	۰/۰۱۱

جدول ۸. خلاصه شاخص‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون بر حسب تعداد مشروطی

متغیر وابسته		متغیر مستقل:	
تعداد مشروطی	مقدار همبستگی	شدت همبستگی	سطح معنی‌داری
نارسایی شناختی	۰/۰۰۴	بسیار ضعیف	۰/۹۳۲

معناداری در خصوص میزان نارسایی شناختی بین این سه گروه وجود ندارد و اختلاف بین این سه گروه معنادار نیست. به عبارت دیگر، گروه‌های تحصیلی متفاوت، تأثیری معناداری در تغییر میزان نارسایی شناختی آنان ندارد جهت بررسی فرضیه ششم "بین نارسایی شناختی با سن دانشجویان رابطه وجود دارد." از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

با استفاده از آزمون همبستگی آماری پیرسون و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین سن و نارسایی شناختی به میزان ۱۳ درصد رابطه مثبت وجود دارد و شدت این رابطه بسیار ضعیف است. به عبارت دیگر، هر چه قدر سن دانشجویان افزایش یابد، نارسایی شناختی آنان نیز افزایش می‌یابد. که این امر همسو با تحقیقات پیشین می‌باشد. جهت بررسی فرضیه هفتم "بین تعداد ترم‌های مشروطی دانشجویان، نارسایی شناختی آنان رابطه وجود دارد." از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

با استفاده از آزمون همبستگی آماری پیرسون و خطای بیش از ۵ درصد نشان می‌دهد که بین تعداد مشروطی و نارسایی شناختی، همبستگی آماری معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج حاصله بیانگر این است که بین نارسایی شناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. از آنجایی که هیچ تحقیق مشابهی تاکنون در رابطه با پیشرفت تحصیلی و نارسایی شناختی انجام نگرفته است و یا حداقل در دسترس نمی‌باشد. تحقیقات آتی می‌تواند همسو و یا ناهمسو بودن را تأیید نماید. همانطور که در تبیین نظری بیان شد، نارسایی شناختی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نمی‌تواند کنترل شناختی مناسبی داشته باشد و همین امر باعث خطاهای شناختی در حافظه، ادراک و عملکرد

جدول فوق نشان دهنده آن است که دانشجویان خیلی به ندرت و گهگاهی دچار نارسایی شناختی می‌شوند، اما خطای بیش از ۵ درصد، نشان می‌دهد که تفاوت آماری معناداری در این زمینه بین دانشجویان زن و مرد، وجود ندارد.

جهت بررسی فرضیه سوم "بین نارسایی شناختی و با مصرف دارو درد دانشجویان رابطه وجود دارد.

در جدول فوق، با استفاده از آزمون تی تست و خطای بیش از ۵ درصد نشان می‌دهد که بین پیشرفت تحصیلی، نارسایی شناختی در بین دانشجویانی که دارو مصرف می‌کنند و کسانی که این دارو مصرف نمی‌کنند، تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

جهت بررسی فرضیه چهارم "بین نارسایی شناختی با شغل دانشجویان رابطه وجود دارد." از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید.

توجه به جدول فوق با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد که تفاوت آماری معنادار در خصوص میزان نارسایی شناختی بین این سه گروه وجود ندارد و اختلاف بین این سه گروه معنادار نیست. به عبارت دیگر، وضعیت شغلی (شاغل بودن یا نبودن)، تأثیری در تغییرات میزان نارسایی شناختی دانشجویان ندارد.

جهت بررسی فرضیه پنجم "بین تعداد نوع رشته تحصیلی دانشجویان، نارسایی شناختی آنان رابطه وجود دارد." از تحلیل واریانس یکطرفه، استفاده شده است.

جدول فوق با توجه به میزان نارسایی شناختی این سه گروه تحصیلی، با میانگین ۲,۳۶ تا ۲,۴۰ از ۵ و با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد که تفاوت آماری

بنابراین با عنایت به نتایج مطالعات پیشین و تحقیق حاضر می توان عدم تفاوت معنادار بین نارسایی شناختی با پیشرفت تحصیلی به صورت زیر تبیین نمود. وقتی دانشجویان در شرایط امتحانی قرار می گیرند، دچار اضطراب خفیف می شوند و در نتیجه آن، انگیزش افزایش و فعالیت های شناختی و فرا شناختی به بالاترین سطح خود می رسد که این امر به نوبه خود خطاهای ادراکی را کاهش و توجه را افزایش می دهد. در نتیجه در شرایط امتحانی نارسایی شناختی تأثیری ندارد، گرچه تحقیقات متعدد حاکی از ارتباط مثبت بین نارسایی شناختی و سوانح شغلی و کاری و تصادفات رانندگی، استعداد خستگی شغلی بود (نعامی، ۱۳۹۰؛ والاس و همکاران، ۲۰۰۳؛ هانسن، ۱۹۸۸؛ هانسن، ۱۹۸۹؛ لارسون و همکاران، ۱۹۹۷؛ به نقل از والاس، ۲۰۰۳، ص ۵۰۴). اما استنباط کلی نشان می دهد وقتی فرد در محیط کاری و در حال رانندگی و حتی کارهای روزمره هیچ اضطرابی ندارد و یا برعکس دارای اضطراب شدید می باشد، نارسایی شناختی بیشتر رخ می دهد. و در اضطراب خفیف نارسایی شناختی برای فرد کمتر اتفاق می افتد.

ضمناً نتایج حاصله بیانگر این بود که نارسایی شناختی بین زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد که این امر با تحقیق مکاسی و ریگی (۲۰۰۴) ناهمسو بود. که می توان گفت تحقیقات قبلی بر روی زنان و مردان غیر دانشجو انجام گرفته بود و از آنجایی که دانشجویان مسئولیت های درسی دارند و ناچارند خود را مرتباً با درخواست های محیطی سازگار نمایند، نسبت به خانمهایی که خانه دار هستند و یا اینکه دچار روزمره گی شغلی هستند، خود آگاهی بیشتری دارند. و خود آگاهی بیشتر باعث نارسایی کمتر می گردد (آق و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین نمرات نارسایی شناختی با افزایش سن بطور معناداری بالا می رود. که این امر همسو با تحقیقات پیشین بود (مکاسی و ریگی، ۲۰۰۴). و نهایتاً اینکه بین نارسایی شناختی و تعداد شغل، مصرف دارو

ایجاد میشود. اما نکته ای که در اینجا قابل تامل می باشد، ارتباط مثبت و معنادار بین اضطراب امتحان (از راهبردهای انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی می باشد. بابائی (۱۳۹۳) طی پژوهشی دریافت که تنها مؤلفه اضطراب امتحان به میزان ۳۱ درصد، باعث پیشرفت تحصیلی می شود. در حالیکه همبری (۱۹۸۸) و زیدنر (۱۹۹۸) دریافتند که دانش آموزانی که اضطراب امتحان بالایی دارند، در راهبردهای یادگیری شناختی دچار نارسایی هایی هستند، به این معنی که آنها نمی دانند که چگونه مطالعه کنند و با موفقیت امتحان را پشت سر بگذارند. این فقدان مهارت می تواند به مشکلاتی در بازیابی اطلاعات منجر شود (همچنین اسمیت و همکاران، ۲۰۰۲). این تفاوت را می توان بدین صورت تبیین نمود که: از لحاظ نظری پیلا (۱۹۶۳) اضطراب را از نظر شدت به سه دسته تقسیم کرده است که شامل الف- اضطراب خفیف ب- اضطراب متوسط ج- اضطراب شدید. وی اظهار داشت فرد دارای اضطراب خفیف، هوشیار است و حوزه ادراکی او بیشتر از گذشته گسترش می یابد و انگیزه یادگیری او بالا میرود و به تبع آن رشد و خلاقیت افزایش می یابد. ولی در حالت اضطراب متوسط حوزه ادراکی فرد محدود می شود و تجربیات بدون توجه انتخاب می شوند و در حالت اضطراب شدید این حوزه ادراکی فرد به طور شدید محدود می شود. همچنان که تحقیقات مختلف تاکنون همبستگی منفی بین پیشرفت تحصیلی و اضطراب شدید را گزارش نموده اند (هیل و ساراسون، ۱۹۶۶؛ هسن و دمل، ۱۹۶۹؛ گادری و اشپیلبرگر، ۱۹۷۴؛ به نقل از بابائی، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

بابائی (۱۳۷۶) طی پژوهشی دریافت گروهی که دارای اضطراب خفیف می باشند با دو گروه دیگر (اضطراب متوسط و شدید) تفاوت معناداری از نظر آماری دارند. به طوریکه افراد کم اضطراب نسبت به دو گروه دیگر از نظر معدل درسی یک سطح بالاتر عمل نمودند. با توجه به موارد مذکور همبری و زیدنر هم مقصودشان اضطراب شدید بود، نه اضطراب ملایم.

- نعیمی، عبدالزهرا. (۱۳۹۰). رابطه استعداد خستگی شغلی با عاطفه مربوط به شغل، نارسایی شناختی و قید سازمانی، مجله علوم رفتاری، ۵(۱)، ۷۵-۸۲.
- یوسفی، فاطمه. (۱۳۸۸). روزنامه اعتماد. www.etaamad.ir تاریخ مشاهده ۱۳۹۳.
- Berggren N, et al(2011), The effects of self report cognitive failures and cognitive load on ant saccade performance, Original research article.
- Broadbent, D. E., Cooper, P. F., FitzGerald, P., & Parkes, K. R. (1982). The cognitive failures questionnaire (CFQ) and its correlates. *British Journal of Clinical Psychology*, 21, 1-16.
- Boomsma. I, Dorret. (1998), Genetic Analysis of Cognitive Failures(CFQ): A Study of Dutch Adolescent Twins and Their Parents, *European Journal of Personality* Eur. J. Pers. 12, 321±330.
- Heckhausen, H., & Beckman, J. (1990). Intentional action and action slips. *Psychological Review*, 97, 36-48.
- Martin, M. (1983). Cognitive failure: Everyday and laboratory performance. *Bulletin of Psychonomic Society*, 21, 97-100.
- Mecacci, L. Righi S. Rocchetti, G. (2004). Cognitive failures and circadian typology. *Personality and Individual Differences*, 37, 107-113.
- Mecacci, L. Righi S. (2006). Cognitive failures, metacognitive beliefs and aging. *Personality and Individual Differences*, 40, 1453-1459
- Norman, D. A. (1981). Categorization of action slips *Psychological Review*, 88, 1-15.
- Reason, J. T. (1979). Actions not as planned: the price of automation. In G. Underwood & R. Stevens (Eds), *Aspects of Consciousness*. London: Penguin.
- Reason, J.T.(1997). Skill and error in everyday life, In M. Howe (Ed.), *Adult learning*. London: Wiley.
- Reason, J. T., & Lucas, D. (1984). Using cognitive diaries to investigate naturally occurring memory blocks. In J. E. Harris & P. E. Morris (Eds.), *Everyday memory actions and absent-mindedness*. London: Academic Press.
- Reason, J. (1988). Stress and cognitive failure. In S. Fisher & J. Reason (Eds), *Handbook of life stress, cognition, and health* (pp. 405-421). New York: John Wiley.

و تعداد مشروطی تفاوت معناداری وجود نداشت. همانطور که در مقدمه نیز ذکر گردید، رابطه عوامل اخیر با نارسایی شناختی بیشتر به طور نظری بیان گردیده است، باشد که تحقیقات آتی همسو و ناهمسو بودن آن را تایید نمایند.

منابع

- آق، عبدالصمد. و کیامرثی، آذر. و ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۹۰). ارتباط رفتارهای دینی و خودآگاهی با نارسایی شناختی در میانسالان. سال چهارم، شماره چهارم، ۲۷ - ۴۱.
- بابائی امیری، ناهید. (۱۳۷۶). بررسی عوامل موثر بر اضطراب امتحانی دانش آموزان سوم راهنمایی متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد(سخنرانی و چاپ در کنگره بین المللی روانشناسی رشد کودک و نوجوان شیراز، ۱۳۹۰)، دانشگاه الزهراء.
- بابائی امیری، ناهید. (۱۳۹۳). تدوین مدل انگیزشی شناختی افت تحصیلی و اثربخشی آن بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پایان نامه دکتری(چاپ نشده)، دانشگاه اصفهان، واحد خوراسگان.
- براتی، هاجر. و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). مقایسه بین نارسایی شناختی و مولفه های فراشناختی و مولفه های فراشناخت با توجه به متغیر تعدیلی میزان سوانح شغلی. مجله علوم رفتاری. ۲(۴)، ۱۲۱-۱۱۵.
- پژوهشکده علوم شناختی و مغز، دانشگاه شهید بهشتی، الریک نایسر. <http://sbu.ac.ir> تاریخ مشاهده ۱۳۹۳.
- حسن زاده رنگی، ن. الهیاری، ت. خسروی، ی. زائری، ف. صارمی، م. (۱۳۹۱). طراحی پرسشنامه شکست های شناختی شغلی: تعیین روایی و قابلیت اعتماد ابزار. فصلنامه سلامت و کار، ۱(۹)، ۴۰-۲۹.
- زکیخانی، محمد. (۱۳۸۹). مطالعه افت تحصیلی دانشجویان مقطع کارشناسی علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. شماره دوازدهم. ۱۲۷-۱۱۳.
- شاهقلیان، مهناز. آزاد، فلاح. فتحی، پرویز. آشتیانی، علی. عشایری، حسن. (۱۳۸۹). رابطه برون گردی و نوروز گزایی با نارسایی های شناختی: ارزیابی نقش واسطه ای فراشناخت. مجله روانشناسی بالینی. سال دوم، ش ۴، ۴۹-۴۱.

- Wallace, J.C (2004). Confirmatory factor analysis of the cognitive failures questionnaire :evidence for dimensionality and construct validity. *Personality and Individual Differences*, 37, 307–324.
- Zidner M. (1998). *Test anxiety:the state of the art*; New York: Plenum.
- Robertson, I. H., Manly, T., Andrade, J., Baddeley, B. T., & Yiend, J. (1997). _Oops!_: performance correlates of everyday attentional failures in traumatic brain injured and normal subjects. *Neuropsychologia*, 35, 747–758.
- Smith, I. et al .(2002). Students' Goals, Self-Efficacy, Self-Handicapping, and Negative Affective Responses: An Australian Senior School Student Study. *Contemporary Education Psychology*(Vol. 27, pp. 471–486) NY: Elsevier .
- Poliakoff, E. James, H. s-s. (2008) , *Everyday cognitive failures and memory problems in Parkinson's patients without dementia*, Elsevier, , *Brain and Cognition*, 67: 340–350 .
- Unsworth, N.,& Brewer. A. G. (2012). Variation in cognitive failures: An individual differences investigation of everyday attention and memory failures. *Journal of Memory and Language* (Vol. 67, pp. (1–16 .(
- Wallace, J. C., Vodanovich, S. J., & Restino, B. (2002). Predicting Cognitive Failures from Boredom Proneness and Daytime Sleepiness Scores: An Investigation within Military and Undergraduate Samples. *Personality and Individual Differences*. (in press)
- Wallace, J.C, Kass, S.J, Stanny, C. (2002) , *Cognitive failures questionnaire revisited: correlates and dimensions*, 129(3): 238–256. *J Gen Psychol* , Broadbent DE, Cooper PF, Fitzgerald P I ,
- Wallace, J.C. Vodanovich, S.J.(2003). Can accidents and industrial mishaps be Predicted ? further investigation into the relationship between cognitive failure and report of accidents. *Journal of Business and Psychology*, Vol. 17, No. 4, 503-514 .

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 5, No. 4, winter 2015, No 20



Journal of Educational
Psychology

"The Relationship between Influencing Factors of Cognitive Failure and Students' Academic Failure"

Nahid BabaieAmiry^{1*}, Mohammad Bagher Kajbaf², Mohammad Mehdi Mazaheri³,
Gholam Reza Manshaee³, Hooshang Talebi⁴

- 1) Ph.D. Student of Educational Psychology, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
- 2) Professor of Psychology, Department of Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran
- 3) Associate Professor of Philosophy, Department of Psychology, Isfahan(Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
- 4) Associate Professor of Applied Statistics, Department of Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran.

*Corresponding author: nbabaieamiry@yahoo.com

Abstract

The present study investigated Factors affecting cognitive failure including, Age, Sex, occupation, type of degree, Terms of conditional and also Cognitive failure associated with Academic failure. The study is descriptive and correlation. Statistical Society Includes all students of Azad University, Yadegar-e-Emam Khomeini (RH) SHahreray Branch(N=22904). Students were studying in 93-92 first term. Relative cluster random sampling method was used. 384 samples were selected as the main studied participants. Cognitive Failure Questionnaire (CFQ) and Personal profile were the data collection instruments. Cronbach's alpha for the Cognitive Failures Questionnaire .79 Obtained. In order to investigate the relationship between variables and comparing them appropriate statistical procedure, Pearson correlation coefficient, Path Analysis, T-Test and one – way ANOVA were used. There was not significant discrepancy between cognitive failure and academic failure. Also the relationship between cognitive failure and Sex, occupation, type of degree, Terms of conditional was not significant. The relationship between Age and cognitive failure was Positive. Although cognitive failure predicted Occupational accidents and traffic, but cognitive failure could not be a predictor of Academic failure. Could be due to the anxiety of test conditions. Because it increases the level of consciousness and cognitive control students.

Key words: Cognitive failure, Academic failure, Influencing Factors, Students
